بسمه تعالی

شماره آرشیو : 1303

این مسئله سوال شده که کسی وصیت کرده که ثلث مالش را صرف کنند در مصارف معینی حالا وراث گفته اند که خود ما قبول می کنیم همین سهم ثلث را منتهی پولش را تدریجا تحویل وصی می دهیم که عمل کند آیا این جایزه اینکار را بکنند؟البته اگر چنانچه قبول کنند و نقدا تحویل وصی بدهند خب این اشکالی ندارد اما اگر قبول کنند و تدریجا بخواهند بدهند به وصی اینجا اگر خود موصی تاخیر را اذن داده باشد که بگه تاخیر در عمل به وصیت ماذون است عیبی ندارد.خب باید اینجا هم خود وراث سهم را هودشان قبول می کنند و تدریجا پولش را می دهند به وصی کع عمل کند ولی اگر اذن در تاخیر نداده موصی که وصیت کرده که ثلث مالش را مصرف کنند در مصارف معینی و تاخیر را هم اذن نداده چون اذن نداده عمل به وصیت واجب فوریه اینها باید عمل کنند یا خودشان نقدا بدهند یا اینکه بفروشند به کسی که نقدا تحویل وصی داده بشود و او عمل کند تاخیر در وصیت جایز نیست اگر عمل به وصیت جایز نیست مگر خود موصی اذن داده باشد تاخیر را اگر اذن داده که اشکالی نیست.اگر اذن نداده وصی لازم است که وراث را وادار کند که بفروشند و ثلث مال تحویل وصی بدهند که او عمل به وصیت کند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

آیه ی 26 از سوره ی مبارکه ی حج که دیشب راجع به این مطلب صحبت شد که آیه ی شریفه اون کسانی که صَدِّ عَن سَبیلِ اللهِ می کنند و صَدِّ عَن مسجد الحرام می کنند که اینجا تهدید شده اند به عذاب الیم.حالا این آیه ی شریفه اشاره است به تاریخچه ی بنای کعبه و بعد هم مسئله ی وجوب حج و یک قسمتی از احکام وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ ما اون جای خانه را،مراد از بیت همان کعبه است.به طور مطلق هم بیت گفته شده این واقعا اگر بناست خانه ای در عالم باشد که جای زندگی انسان،انسان پرور باشد همان کعبه است کمااینکه از اهل بیت هم به طور مطلق تعبیر به اهل بیت می شود.اهل خانه،خانه ی واقعی همان خانه ی پیغمبر است اون خانه ای که محوط وحی است اون خانه است یعنی انسان،انسان می سازد و همه ی تمدن های عالی از این خانه سرچشمه می گیره و لذا بیت مطلق همان است.بقیه اگر در سایه ی این خانه آمدند خانه اند وگرنه لانه اند آشیانه اند.جای زندگی حیوانات هستند.جای زندگی انسانها نیستند.اون خانه ای خانه است و مسکن انسان که زیر سایه ی بیت الله برود زیر سایه ی بیت النبوت و بیت الوحی برود و اهل خانه همان ها هستند.هم خانه ی اون هست و اون خانه است و هم اهل خانه و ساکنین خانه هم همان ها هستند.ولذا به طور مطلق بیت درباره ی اهل بیت هم اهل البیت إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أَهلَ البَيتِ اهل خانه کدام خانه؟معلومه.اونی که خانه است همانه.حالا به هرحال می فرمود ما مکان خانه را بیت را برای ابراهیم تبوئه کردیم وَإِذْ بَوَّأْنَا الْبَيْتِ حالا کلمه ی تبوئه 2 احتمال دارد یکی آماده کردن این ممکنه یک معنایش این باشه که ما مکان کعبه را جای کعبه را آماده کردیم برای ابراهیم ؟ع؟ که ساختمان بنا کند چون قبل از ابراهیم ؟ع؟ بیت ساختمانش به وجود نیامده بود ما جای کعبه را مشخص کردیم برای ابراهیم که آنجا خانه بسازد حالا مشخص کردیم به چه کیفیت مشخص شده حالا باد تندی از جانب خدا وزید و خاک ها را کنار زد و اون پایه ی کعبه آشکار شد یا این که ابری آمد بالای سر سایه افکند اون نقطه معین شد که اینجا مکان بیت است و ابراهیم ؟ع؟ آنجا ساختمان را بنا کرده اگر تبوئه با این معنا باشد که مشخص کردیم مکان کعبه را آماده کردیم یک احتمال هم هست که تبوئه به معنای مبائه قرار دادن یعنی مرجع قرار دادن یعنی اون مکان بیت را برای ابراهیم مرجع عبادت قرار دادیم معبد قرار دادیم مبائه کردیم آنجا را و مرجع قرار دادیم یعنی معبد قرار دادیم و از ابراهیم خواستیم که آنجا ما را عبادت کند و این احتمال دوم به قرائن نزدیکتر است یعنی منظور این که آنجا را معبد قرار دادیم وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ جای کعبه را برای ابراهیم ؟ع؟ محل عبادت قرار دادیم که اون نقطه در اون نقطه ما را عبادت کند مکان بیت از اینکه مکان بیت هست ظاهرا استفاده می شود که قبلا بیت بوده قبل از ابراهیم ؟ع؟ منتهی از بین رفته و جاش بوده و طبق اخبار هم استفاده این جور می شود که بعد از هبوط حضرت ادم ؟ع؟ خداوند قُبه ای از دُرّه ی بیضاء قرار داد در همین جایی که الان کعبه است در همان نقطه قبه ی بیضایی از جانب خداوند قرار داده شد قبه ی سفیدی از دُر بیضاء دُرّ سفید که ادم ؟ع؟ اونجا طواف می کرد این قبه بود تا زمان حضرت نوح ؟ع؟ انبیائی بعد از آدم ؟ع؟ آمدند آنجا طواف می کردند بر گرد همان قبه ی بیضاء طواف می کردند تا زمان نوح ؟ع؟ طوفان حادثه ی طوفان پیش آمد و عالم گیر شد خداوند اون قبه را از زمین برداشت اون قبه بالا رفت همان که آماده بود برای آدم ؟ع؟ در حادثه ی طوفان بالا رفت دیگه ساختمان نبود فقط جای اون بود مکان بیت بود جاش بود ولی خود ساختمان نبود و انبیاء بعد از نوح ؟ع؟ هم در همان جاش طواف می کردند اون مکان بیت را را طواف می کردند چون خود بیت نبود مکان بیت را طواف می کردند تا زمان ابراهیم ؟ع؟ ایشون مامور شد از جانب خداوند در همان مکان بیت همان جایی که قبلا قبه ی بیضاء بود و بعد در حادثه ی طوفان بالا رفته و جاش بوده.در همان جا مامور شد که کعبه را بسازد که آیه هم داریم وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ  این پدر و پسر ؟ع؟ مامورشدند که در همان مکانی که قبه ی بیضاء بوده در زمان آدم ؟ع؟ تا زمان نوح و بعد هم بالا رفته در همان جا کعبه را بنا کنند وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ پس بیت قبلا بوده با اون کیفیت جاش بوده و زمان ابراهیم ؟ع؟ جاش معین شده.ایشان به کمک اسماعیل ؟ع؟ ساختمان کعبه را بالا برده اند حالا این بیت این کعبه باز هم تحولاتی بود کلی و جزئی ولی این از همان زمان باقی است و این با جلال و با شوکت تا روز ظهور موعود حضرت مهدی ؟ع؟ این باقی ست.حالا به طور اجمال این جمله بعد أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا این أَنْ لَا تُشْرِكْ همان تفسیر بَوَّأْنَا ست.که عرض شد به همین قرینه احتمال دوم مناسب تر است که معبد قرار دادیم تفسیر بَوَّأْنَا همینه أَنْ لَا تُشْرِكْ چی کار کردیم تبوئه کردیم برای ابراهیم که به او وحی کردیم برای من شریکی قرار نده در مسئله ی عبادت من یعنی معبد قرار دادیم و این عبادت باید خالص باشد برای من و کسی را در امر عبادت هیچ چیزی را شریک من قرار نده لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا البته ابراهیم ؟ع؟ معصومه.او که مشرک نخواهد بود.این گونه خطابات به انبیاء و معصومین برای نشان دادن بزرگیه گناه شرک است.یعنی باید عبادت مخلصانه انجام بشود حتی به رسول خاتم خطاب می شود لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ تو هم اگر مشرک بشوی تمام اعمالت حبطه.اون رسول خدا که مشرک نبود که احد شد این شکی درش نیست ولی در عین حال نشان دادن مطلبه که به قدری گناه شرک بزرگ است که تمام اعمال انسان حبطه.اگر چنانچه موحد واقعی نباشد اون چنان که خود دستور داده است اگر موحد واقعی نباشد این هیچ عملش مقهور عند الله نخواهد بود حتی به رسول خاتم خطاب می شود تو هم اگر مشرک بشوی لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ عملت هم با همه ی این زحماتی که داری حبط خواهد شد.در عبادت شریک من چیزی نباشد  فَمَن کانَ یرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَ لا یشْرِکْ بِعِبادةِ رَبِّهِ أَحَدا هر که می خواهد به لقاء برسد واقعا اون لقائی که ما از درکش هم عاجزیم تا برسیم آنجا که حقیقته لقاء را بفهمیم يا أَيُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّكَ كادِحٌ إِلى‌ رَبِّكَ كَدْحاً فَمُلاقِيهِ باید برسی بعد از رنج مستمر،رنج مستمری باید داشته باشی تا برسی به لقاء.زمینه اش هم اینجاست.البته آن لقاء اخروی باید در همینجا درست بشه و همین جا هم هستند کسانی که به قدر مناسب دید با این دنیا به لقاء می رسند تا نرسند آنجا هم نمی رسند.بله اینجا و غیره هم ندارد آیه ای که مربوط به آخرته در همین جا مَن کانَ یرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ  هرکی می خواهد واقعا به دیدار برسد حجاب ها کنار برود پرده ها کنار برود جمال اعلای حق را ببیند همین جا مشرک نباشد.مشرک نباشه عبادت مخلصانه انجام بدهد در همین جا مناسب با همین جا به لقاء می رسد تا برسد به لقاء مناسب با عالم آخرت دیگه فَمَن کانَ یرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ  چون نفرمود لقاء در آخرت که به طور مطلق فَمَن کانَ یرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً هر که می خواهد به لقاء برسد جمال حق را در حق ببیند باید مشرک نباشد عبادت خالصا انجام بشود ریا نباشد سمعه نباشه اغراض نفسانی دنیوی اینها دخالت نکند و لذا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ تطهیر کن.خود تطهیر کردن همان تشریعه.یعنی شریعتی و قوانینی برای عبادت من بدست مردم بده تا آنچه که من خواسته ام عبادتم کنند.تطهیر واقعی همینه دیگه تطهیر کن.بخواد پیغمبر تطهیر کند معبد را تطهیر کند عبادت به چه کیفیت همین قدر یک شریعتی می آورد مقررات آسمانی می آورد کسی دخالت نکند حتی خودش هم دخالت نمی کند وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنا بَعْضَ الْأَقاوِيلِ  لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْيَمِينِ خودش هم حق ندارد دخالت در شریعت کند.او مُبَلِّغ شریعته.شریعت را آنطور که ما گفته ایم به دست مردم برسان که طاهر باشد کسی درش دخالت نکند سلیقه ها اعمال نشود و غالبا اعمال می شود سلیقه ها،سلیقه ها اعمال می شود هر کی دلش بخواد یک چیزی اضافه می کند کم می کند کمااینکه آنها ......(14:55) خدا هستند ولی بهرحال تطهیر کن شریعت را آنچنان که من گفته ام همان را بی کم و زیاد به دست مردم برسان تا عبادت من طاهر باشد و هیچگونه شائبه ای درش نباشد و رسول خدا هم نگرانه این مطلب بود که در آینده چنین خواهد شد که قدرت ایمانی در مسلمانها رو به ضعف می رود و هوا به جای خدا حاکم بر دلها می شود.دنیا منتهای آمال و آرزو های مسلمانها می شود که محور فعالیت ها می شود.دنیا رسیدن به امیال نفسانی و حتی عبادت را هم آلوده می کنند به اغراض نفسانی خودشان حتی حجی که با اون عظمت و جلالت و شکوه از جانب خداوند تشریع شده ممکنه آلودگی پیدا کنه ولذا این روایت نشان می دهد که آینده چه می شود از ابن عباس نقله در حجة الوداع وقتی که از مناسک فارغ شدیم رسول خدا در کعبه ایستاد دست به درِ کعبه گذاشت و رو به مردم راجع به حوادث آینده ی روزگار پیش بینی هایی کرد بعد راجع به حج فرمود: یحج اعنیاء امتی للنزهه چنان خواهد شد که ثروت مندان امت من مکه می روند برای تفریح و تفرج. و یحج اواسطها للتجاره متوسطین برای تجارت و خرید و فروش و جنسی بخرند ارزان بخرند گرانتر بفروشند  یحج فقراوها للریاء و السمعه اون کسانی که دستشان خیلی نمی رسد به مال خرید و فروش و اینها اونهم برای نشان دادن به مردم که نگویند من مکه نرفته ام مثلا تکفیرم نکنند مذمتم نکنند برای اینکه مردم بدانند به ریا و سمعه به مردم بشنواند به مردم نشان بدهد فعندها یکون أقوام یتعلّمون القرآن لغیر اللّه  بعد فرمود در آن روزگار مردمی پیدا می شوند که علوم قرآنی را یاد می گیرند نه برای خدا برای غیر خدا.بله میروند دنبال قرآن خواندن قرآن یاد گرفتن قرآن تعلیم قرآن تعلم قرآن یاد می گیرند ولی لغیر اللّه  یتعلّمون القرآن لغیر اللّه  که نفرین هم فرمودند سه گروهند چند گروهند بله اون گروهی که قرآن را بضاعت قرار می دهند سرمایه ی خودشان قرار می دهند برای نیل به اهواء نفسانی و حطام دنیوی اینها را لعنت کردند لا کثر الله فرمود اینها را خدا زیاد نکند این گروه را از متعلقین قرآن. یتعلّمون القرآن لغیر اللّه ویتخذونه مزامیر تلاوت قرآن می کنند به آهنگ غنا. یتخذونه مزامیر ویکون أقوام یتفقهون پناه بر خدا گروهی هم پیدا می شوند تفقه می کنند در دین می روند دنبال اینکه بله فقیه در دین بشوند بفهمند اما لغیر اللّه باز هم تفقه شان برای غیر خدا تعلم قرآن برای غیر خدا خواندن قرآن به آهنگ غنا یاد گرفتن فقه اسلام و قرآن برای غیر خدا. یتفقهون لغیر اللّه اینها رسول خدا نگران این مطلب بود که چنین حوادثی در امت من خواهد پیش آمد.مخلص باشند لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا اونی که خواستم اینه اگر می خواهند بندگی من کنند عبادت کنند مشرک نباشند اگر بدانند خالصا برای من کار کنند چه بهره هایی خواهند برد.به هیچی اعتنا نمی کنند مَن عَمِلَ بِرِضايَ اُلزِمُهُ ثلاثَ خِصالٍ کسی برای رضای من فقط عمل کند چند خصلت به اومی دهم حالا این زیاده من یک قسمتی که منتخب است عرض می کنم. مَحَبَّةً لایُؤْثِرُ عَلى مَحَبَّتی مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقینَ آنچنان محبت خودم را در دلش می افکنم که هیچ چیزی غیر من را دوست ندارد. فَإِذا أَحَبَّنی أَحْبَبْتُهُ اوکه مرا دوست داشت من هم او را دوست خواهم داشت.محبوب من می شود محبوب من که شد أَفْتَحُ عَیْنَ قَلْبِهِ إِلى جَلالی چشم و دلش را باز می کنم جمال و جلال خودم را نشانش می دهم. فَأُنَاجِیهِ فِی ظُلَمِ اللَّیلِ در تاریکی شب با او مناجات می کنم من در عالم قلب و روحش در ظلمت شب که کسی نمی بیند و کسی نمی شنود من با او مانوس می شوم من همدمش می شوم أُنَاجِیهِ فِی ظُلَمِ اللَّیلِ  أُسْمِعُهُ کلَامِی وَ کلَامَ مَلَائِکتِی سخنم را به او می شنوانم سخن فرشتگانم را به او می شنوانم برای ما افسانه بنظر میاد ولی خب آنهایی که اهلش هستند آنها می دانند از بزرگی نقل شده که من صبح که می شود احساس می کنم اون دو فرشته ای که جایشان عوض می شود می روند دو فرشته ی دیگر میاد من اونوقت احساس می کنم که از من خداحافظی می کنند برای رفتنشان.اونی که می خواهند بروند از من خداحافظی می کنند و می روند حالا ما میگیم چطور می شود مثلا؟حالا می شود کسی هم به این حد برسد که صدای ملائکه را بشنود و بعد هم بفهمد که دو ملک می خواهند بروند دو ملک می خواهند بیایند با آنها خداحافظی کند به آنها خوشامد بگوید می شنوانم به او سخن ملائکه ام را  أُنَوِّرُ لَهُ فِی قَبْرِهِ قبرش را روشن می کند لَا یرَی غَمَّ الْمَوْتِ دم جان دادن غصه ی مرگ را احساس نمی کند وَ ظُلْمَةَ الْقَبْرِ خب پس این یک جمله ای که لَا تُشْرِكْ بِي منظور اینکه لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا ما به ابراهیم گفتیم که معبد قرار بده ولی معبد خالص باشد و غیر مرا شریک قرار نده وَطَهِّرْ پاک کن خانه ام را خانه مال منه بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ اگر خانه مال من است دیگری را در خانه ی من شریک من قرار نده وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ خانه ی من را تطهیر کن.مقرره ای که دارم دستوری که دارم شریعتی که دارم خالصا به مردم نشان بده با اون شریعت عمل کنند لِلطَّائِفِينَ بعد در این سه جمله خب دو رکن را از ارکان حج نشان دادند طواف و نماز برای طائفین برای مُصَلّین.در نماز هم سه رکن از ارکان نماز نشان دادند وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ اونایی که قیام می کنند در نماز و رکوع می کنند سجده می کنند.یعنی واقعا اونایی که اسکلت نماز را تشکیل می دهند همان 3 تاست دیگه.قیام است رکوع و سجوده.بقیه هم خب اضافاتی ست که بله اضافه می شود بر این ارکان اونی که رکن است قسام است و رکوع است و سجود دیگه ولذا از مناسک حج دو تا را اسم بردند طواف و نماز و از نماز هم 3 رکن نشان داده شده وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ رُّكَّعِ جمع راکعه. سُّجُودِ هم جمع ساجده برای اینها آماده کن و شریعت را به آنها نشان بده که چجور طواف کنند چجور نماز بخوانند چجور رکوع کنند چجور سجده کنند.راجع به طواف فرموده اند که زیاد طواف کنید خوشابحال اون کسانی که سعادتمند باشند و برسند به آنجا حج و عمره و اینها مغتنمه و زاد و توشه ی آخرته به شرط اینکه با حال و حضور و توجه انجام بشود.فرمودند زیاد طواف کنید چیزی که از عبادت خیلی کم گیرتان می آید طوافه.سایز عبادات خب گیرتون میاد نماز می خوانید روزه ها می گیرید ممکنه انفاقات داشته باشید ولی کمتر در صحیفه ی اعمالتان طواف دیده می شود.اگر موفق شدید مغتنم بشمارید طواف زیاد کنید تا در نامه ی اعمالتان طواف هم زیاد ثبت بشود. اِسْتَكْثِرُوا مِنَ اَلطَّوَافِ فَإِنَّهُ أَقَلُّ شَيْءٍ يُوجَدُ فِي صَحَائِفِكُمْ کمتر عبادتی که در نامه ی عمل شما دیده می شود طواف است.سایر عبادت ها را ممکنه انجام بدهید.کم موفقه انسان دیگه به این سادگی که توفیق ندارد انسان به مکه مشرف بشود طواف کند اگر موفق شدید خیلی گرفتار بازار و خیابان و سوغاتی و اینها نباشید.اینها را همه جا می شود بدست آورد.اونی که خیلی بدست نمیاد طواف است در مدت عمر آدم ممکنه یک بار آدم موفق بشود و طواف انجام بده این را از دست ندهید اِسْتَكْثِرُوا مِنَ اَلطَّوَافِ فَإِنَّهُ أَقَلُّ شَيْءٍ يُوجَدُ فِي صَحَائِفِكُمْ يَوْمَ اَلْقِيَامَةِ ولذا فرمود ان اللَّه یباهی بالطائفین عجیبه خداوند مباحات می کند به طواف کننده ها و روایت دیگه هم داریم که می فرماید يُسْتَحَبُّ أَنْ يَطُوفَ اَلرَّجُلُ مُقَامَهُ بِمَكَّةَ بِعَدَدِ اَلسَّنَةِ خوبه کسی موفق شد مکه به قدر تعداد ایام سال طواف کند 360 طواف انجام بده خب در این مدتی که در مکه هست دیگه حالا یک هفته 10 روزی مثلا بیشتری هست زیاد طواف کند ولی خب خیلی مشکل هم شده حالا در شرایطش کسی بتواند طواف واجبش را انجام بدهد خیلی هنر کرده با اون ازدحام جمعیتی که هست دیگه حالا اگر موفق شده فرموده که 360 طواف داشته باشد فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ اگر نتوانستی ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ شَوْطاً 300 شوط باشد چون هر طوافی 7 شوطه 360 طواف انجام بده یا 360 شوط انجام بده فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ اگر نتوانستی اکثر من الطواف ما اقمت بمکه خب مادامی که هستی خیلی طواف انجام بده بهرحال این را مغتنم بشمر اما نماز در مسجد الحرام اون که معلومه یک رکعت برابر با 100 هزار رکعت است.امام رضا ؟ع؟ فرمود صلاةٌ في المسجدِ الحرامِ أفضلُ من مئةِ ألفِ صلاةٍ فيما سواهُ یک صد نماز بیشتر از 100 هزار نماز ثوای به آدم داده می شود.همش برکته.در حول کعبه حضرت فرمود 120 رحمت علی الدوام نازل می شود در اطراف مکه 60 تا مال طواف کننده هاست و 40 تا مال اون نماز خوان هاست و وَ عِشْرُونَ لِلنَّاظِرِينَ 20 تا مال کسی که نگاه به کعبه می کند خود نگاهش هم علی الدوام بر انسان رحمت می ریزد.مادامی که چشم به کعبه دوخته است برایش رحمت می نویسم تا چشم برگرداند از کعبه هم برای طواف هم برای نماز هم برای نگاه کردن ولذا این قدر عظیمه که مردی آمد خدمت رسول اکرم قبل از اینکه از مناسک فارغ بودند عرض کرد آقا من بقصد حج درامدم از خانه ام اما مانعی پیش آمد و نتوانستم موفق بشوم.حالا ثروتمندم من مال زیاد دارم.دستوری بدهید که من از مال خودم کجاها مصرف کنم که ثواب حج را برده باشم؟اشاره کردن به کوه ابو قبیس فرمودند این کوه همش طلای سرخ باشد همش در راه خدا بدهی جای حج را پر نمی کند.اون ثواب حجی که از دستت رفته دیگه با همه ی این طلاها را هم در راه خدا صرف کنی جای اون را پر نمی کند.این برای نشان دادن عظمت عبادت حج است.یا کسی آمد که امام صادق ؟ع؟ یا بن رسول الله من یک مردی با من مشورت کرد که امسال مکه بروم یا نروم به نظر من ضعیف الحال بود و من گفتم نه لازم نیست.خب مثلا حج واجب که رفته ای فرض بفرمائید دیگه نمیخواد او را بازداشتم.فرمود به جرم این عمل یک سال مریض می شوی و همانجور هم شدم.یکسال مریض شدم به خاطر اینکه یک کسی را از رفتن به مکه باز داشته بودم ولذا فرمود لیحذر أحدکم أن یعوق أخاه عن الحج فتصیبه فتنة فی دنیاه مع ما یدخر له فی الآخرة بترسید از این مطلب کسی را از رفتن به حج باز ندارید.گذشته از این که در آخرت گرفتاری دارید در دنیا هم دامن گیرتان خواهد شد لیحذر أحدکم أن یعوق أخاه عن الحج فتصیبه فتنة فی دنیاه مع ما یدخر له فی الآخرة خب حالا پس این جمله که وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وقتی که ساختما تمام شد به ابراهیم ؟ع؟ دستور دادند که حالا اعلام حج کن وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ حالا اعلام حج کن به مردم،دعوت کن بیایند به مکه.پیاده بیایند سواره بیایند از راه های دور بیایند.عرض کرد که خدایا من چطور داد بزنم که همه ی دنیا بشنوند خب صدای من که نمی رسد به همه جا که همه جا بشنوند فرمودند عَلَيْكَ اَلْأَذَانُ وَ عَلَيَّ اَلْبَلاَغُ  اذان از تو اعلام از تو رساندن با من تو فقط داد بزن بگو من خودم می رسانم به گوش همه.ولذا ابراهیم ؟ع؟ هم طبق دستور رفت بالای مقام همان سنگی ست روش ایستاده حضرت ابراهیم ؟ع؟ که در بالا بردن ساختمان کعبه که حالا هم هست مقام ابراهیم سنگی که همانجا دفنه روی اون سنگ ایستاد و طبق روایت دست روی گوش هایش گذاشت و فریاد کشید یکی به سمت مشرق یکی به سمت مغرب به دو سمت صدا زد  يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُتِبَ عَلَيْكُمْ الْحَجُّ الی البیت العتیق فعجیبوا ربکم ای مردم مکه حج بیت عتیق بر شما واجب شده.اجابت کنید دعوت پروردگار را این صدا را خداوند رساند به گوش همه ی مردم حتی اون کسانی که در صلب پدرها بودند ما هم شنیده ایم این صدا را حالا خبر نداریم در رحم مادرها صلب پدرها بوده ایم شنیده ایم همانجا لبیک هم گفته ایم ولذا فرموده اند هرکس در اون وقت لبیک گفته به جناب ابراهیم مکه خواهد رفت و لبیک هم خواهد گفت کسانیکه تا روز قیامت می روند در میقات لبیک اللهم لبیک، لبیک می گویند همان کسانی هستند که به دعوت ابراهیم ؟ع؟ جواب لبیک داده اند هر که داده است مکه خواهد رفت حالا هر چند بار گفته.اون چند بار هم مکه خواهد رفت اون کسانی که نرفته اند هیچی دیگه.ما خودمان خبر نداریم ما خیلی چیزها را در عالم قبل داشته ایم نمی دانیم [وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَني‏ آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلي‏ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلي‏ شَهِدْنا](http://tadabbor.org/?page=tadabbor&SOID=7&AYID=172) خب ما یک عالم زر داشته ایم اونجا از همه ی شما پیمان گرفته ایم از پشت پدرتان بیرون کشیده ایم تا به همه ی شما را حالا به هر صورتی بوده اید آنجا گفتیم أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ خود شما ها را شاهد خودتان قرار دادیم فقر شما را به خدا نشان دادیم که چطور از خودتان هیچ بودید و به من چیز بودید.ولذا گفتم من خدای شما نیستم خود را به این کیفیت که می بینید قالُوا بَلي‏ شَهِدْنا بله هستیم شاهدیم حالا همانها در بستر لا خفته اند امروز بلا گفته اند امروز در بستر لا خفته اند.بهرحال ما قوانینی داشته ایم سخنانی شنیده ایم جوابها داده ایم خب حالا یادمان نیست یکی از آن سخنان سخن ابراهیم بوده دعوت کرده ایها الناس گفته ما هم شنیده ایم و جواب هم داده ایم لبیک هم گفته ایم دیگه ولذا این هم وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا  کلمه ی رجال جمع راجله.وقتی که گاهی هم رجال یعنی رجله.رجل یعنی مرد رجال یعنی مردها یک معناش هم راجل راجله پیاده.رجال یعنی پیاده ها رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ بعضی پیاده می روند بعضی هم سوار بر مرکب های لاغر ضامر یعنی مرکب های لاغر مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ از راه های دور فجّ یعنی جاده و راه عمیق یعنی دور از راه های دور حرکت می کنند بعضی پیاده بعضی با مرکب های لاغر از این تعبیر استفاده می شود که در مسئله ی حج تحمل رنج خواسته اند.خواسته اند مردم در این راه یه مقدار رنج متحمل بشوند پیاده بروند یا اینکه با مرکب های لاغر بروند ولو حالا نیست به اون مرکب ولی بهرحال کاری کنند خیلی پر خوری نکنند شکم خواری همش در فکر رفاه نباشند.خلاصه یک قدری رنج متحمل بشوند بنا بر این بوده ولذا فرمود کسی که پیاده برود به هر قدمی 700 حسنه می دهند و هر قدمی که برمی دارد اگر سواره برود با شتر مثلا می رود پای هر شتری 70 حسنه می نویسند حالا با ماشین بریم نمی دونم اما با هواپیما دیگه حالا چجوری کم شده بهرحال تمدن،همانجوری که به ما رفاه داده معنویت هم کم کرده اینجوریه معنویت ها کم شده طی الارض هم الهیه.بله حال مال ما بشر است که درست کرده.بله ما با هواپیما می خواهیم برویم.خیلی همه که امشب هستیم بله فکر دنیا داریم همه منتقل بشیم به همونجا باز باهمین فکره دیگه.اون کسی که زحمت می کشد توو راه مدتی راه برود خودش کم کم منقطع میشه حال انتقطاع حاصل می شود.این انتقطاع فعلا نیست دیگه.یعنی با همان فکر دنیوی به آنجا منتقل می شویم دیگه و آنجا هم وسط هواپیما می خواهیم همه چی باشد چای حاضر باشد آبمیوه حاضر باشد مثلا موز حاضر باشد آنجا هم به همین کیفیته و اون که خواستیم اینجور نباشد و رنج و تحمل داشته باشیم تحمل رنجی باشد که انسان احساس کند حلاوت.واقعا همین جوریم اصلا هر چه بیشتر رنج بکشد بیشتر حلاوت احساس می کند و با این موجبات رفاه رفتن و برگشتن حالا اونجا هم باز عرفات را هم که شنیده شده که درخت کاری کرده اند و تفرجی باشه برای اهل تفرج باشد و مشعل که روشن شده ساختمان تاریک بوده حالا روشن شده بله عرفات هم که درختکاری شد و موجبات رفاه بیشتر می شود.هرچه موجبات رفاه بیشتر می شود قهرا معنویت و روحانیت هم کم میشه دیگه مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ صاحب تفسیر ابو الفتوح نقل می کند که مردی گفت من در طواف مطاف کعبه پیرمردی را دیدم خیلی ضعیف با عصا طواف می کرد عصا بدست در اطراف بیت طواف می کرد.خیلی با ناراحتی رسیدم مقابل او سلام کردم گفتم از کجایی گفت از راه دور آمده ام پنج سال توو راه بودم تازه به اینجا رسیدم.بعد گفت این رنج سفر مرا پیرم کرد.ناتوانم کرد بعد من خواستم بهش روحیه ای داده باشم گفتم خوشا به حال تو این مشقتی که متحمل شده ای کاشف از محبت صادقانه است که صادقانه محبی تو دوستدار خدا بوده ای و اطاعت نیکو انجام داده ای.این مشقت کاشف از اطاعت خوب است و کشاف از محبت صادقانه است.این را که من گفتم خوشحال شد یک تبسمی به چهره ی من کرد بعد خودش این دو تا شعر را گفت:

زر من هويت و ان شطت بك الدار و حال من دونه حجب و استار

هر که را که دوست داری برو به دیدارش.هر که را دوست داری به دیدارش برو.ولواینکه راه دور باشد ولو اینکه بین تو و او حاجب ها باشه دره ها و کوه ها باشه. زر من هويت هر که را دوست داری برو لا يمنعنك بعد من زيارته‌ نکند که دوری راه مانع بشود از دیدار و زیارت او ان المحب لمن يهواه زوار هر کسی،کسی را دوست می دارد زیاد زیارتش می کند دیدم که او خیلی شاداب تر از منه در این قسمت.او می داند چه می کند.گفتم خوشا به حال تو و مرحبا به این روحیه ای که داری و محبت به خدا داری.یکی از بزرگان میگه من از قافله،قافله ی حج که بودم حاجتی پیش آمد دور افتادم از قافله.دیدم یک کودکی می رود وسط بیابان.تعجب کردم خدایا بیابان هولناک و یک کودک خردسال بعد جلو رفتم نزدیک شدم سلام کردم جواب سلام داد گفتم کجا میری؟دیدم با کمال قاطعیت گفت: الی بیت ربی به خانه ی خدایم می روم.به خانه ی ربّم می روم.گفتم حبیبی عزیز من تو که کودکی تکلیف نداری.گفت آقای محترم مگر ندیده ای از من کوچکترها مُرده اند،از من کوچکترها مُرده اند و دیدم نه خیلی فکرش بالاست.بعد گفتم آخه پس زاد و راحله ات کو؟اخه این راه زاد و راحله می خواهد مرکب می خواهد.توشه ی راه می خواهد.گفت دارم  زادی تقوای، و راحلتی رجلای، و قصدی مولای توشه ی من تقوای من است.مرکب من پاهای من مقصد من مولای من.دیدم خیلی فکر بلنده بعد گفتم اخه غذایی همراهت نمی بینم.یک سفره ی نانی همراهت نمی بینم.گفت عجیبه اگر یک شخص کریمی تو را به خانه اش دعوت کند سفره ی غذا همراه ببری زشت نیست؟گفتم چرا.گفت پس اون کسی که مرا به خانه اش دعوت کرده همان کس سیرم می کند.سیرابم می کند.گفتم پس پا بردار تا به قافله برسی و تند حرکت کن.گفت: عليّ الجهاد و عليه الإبلاغ بر من لازمه به قدر توانایی قدم بردارم.بر او لازم است که مرا به مقصد برساند مگر نخوانده ای این آیه را؟ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا هر که در راه ما بکوشد ما خودمان او را می رسانیم.خب در همین راه با تعجب نگاه می کرد و گوش به حرفهایش میدادم دیدم یک مرد بزرگواری با لباس سفید در وسط بیابان ظاهر شد تا رسید دیدم سلام کرد به این کودک بغل باز کرد و او را در بغل گرفت و پیشانی اش را بوسید.من رسیدم به او گفتم آقا شما را قسم به خالقت می دهم این کودک کیه؟گفت مگه نمی شناسی او را؟علی ابن الحسین علی ابن ابی طالب فهمیدم جگر گوشه ی حسین سید الشهدا ؟ع؟ است.امام سید الساجدینه. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ بعد رفتم سراغ همان کودک گفتم آقا قسمت می دهم یا ابن رسول الله به حق آقای کلامت شما این بیابان های به این هولناکی را با چه زاد و توشه ای شما طی می کنی؟گفت من زادم 4 چیز است.من می دانم  أرى الدّنيا كلّها  مملكة اللّه من تمام دنیا را ملک خدا می دانم وتمام مخلوقات و انسانها را بندگان خدا می دانم و حکم خدا را نافذ در همه ی عالم می دانم و تمام اسباب و ارزاق را بدست خدا می دانم.این زاد من است در این راه گفتم نعم الزاد یا ابن رسول الله خوب توشه ای داری با این توشه ات بیابان های آخرت را می پیمایی تا چه رسد به بیابان های دنیا.بعد هم مصیبتشان خودشان نقل شده از امام سجاد ؟ع؟ العیاذ بالله اینجا شرمش می شود که مسلمانها انقدر نگذشته از رحلت پیغمبر اکرم به این کیفیت .....(39:36) ما را مانند گوسفندها به یک ریسمان بستند یک سر ریسمان به گردن من بود یک سر ریسمان به بازوی عمه ام زینب ؟ع؟ بود.به این کیفیت ما را وارد مجلس شوم یزید کردند.بچه ها به پای بزرگها نمی توانستند بیایند زمین می خوردند با تازیانه می آمدند بچه ها را می زدند به این کیفیت وارد مجلس شوم یزید کردند.امام سجاد فقط یک جمله فرمود فاماذا فماذا لک یا یزید یا ابن رسول الله (40:09) یزید اگر الان رسول خدا وارد این مجلس بشود ما را به این حال ببینند آیا چه حالی خواهند داشت؟یعنی خاک بر سر شما.خودتان را مسلمان می دانید؟جای پیغمبر خود را نشانده اید و این چنین با ذریه ی رسول صلی الله علیک یا مولانا یا سیدالساجدین یا زین العابدین.

پروردگارا به حرمت امام سجاد ؟ع؟ در فرج امام زمان تعجیل بفرما.گناهان ما را بیامرز.محبتشان را در دل ما لحظه افزون بگردان.نسل ما را محب اهل بیت قرار بده.در دنیا و آخرت دست ما را از آنها کوتاه مفرما.حسن عاقبت به همه ی ما عنایت بفرما.رحم الله من قرء فاتحة مع الصلوات